

مطالعه رابطه میان تعارضات خانوادگی و رفتارهای تهاجمی نوجوانان

بیژن خواجه‌نوری^{۱*}، رودابه دهقانی^۲

۱- دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

رفتارهای نوجوانان و علل و نتایجی که برای فرد و محیط پیرامون بیار می‌آورند، از مسائل بسیار حساس در جامعه‌شناسی به شمار می‌آیند و بطور دقیق مورد توجه قرار می‌گیرند. تحقیق حاضر به بررسی تعارضات خانوادگی و اثر آن بر رفتارهای تهاجمی نوجوانان پرداخته است. در این تحقیق جهت تنظیم چارچوب نظری از نظریه‌های ناکامی و یادگیری اجتماعی استفاده شده است. داده‌های تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و با تهیه پرسشنامه خود گزارشی در شهر شیراز و داراب جمع‌آوری و اطلاعات مربوط به ۱۲۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر مشغول به تحصیل است. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است. تحلیل آماری این بررسی نشان می‌دهد که هم در کل جمعیت و هم به تفکیک شهرهای داراب و شیراز رابطه معنی‌دار مثبتی بین متغیرهای تعارضات والدین، تعارضات والدین با فرزندان در خانه و خارج از خانه با رفتارهای تهاجمی نوجوانان وجود دارد. در نهایت نتایج با استفاده از نرم افزار لیزرل مدل تحقیق مورد آزمون قرار گرفت و نتایج نشان داد که متغیرهای محل سکونت (شیراز)، جنسیت (مرد)، درآمد خانواده (به عنوان متغیرهای زمینه‌ای) و

تعارضات خانوادگی می‌توانند ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. در مجموع مطالعه حاضر وجود رابطه بین روابط خانوادگی و رفتارهای تهاجمی نوجوانان را تأیید می‌کند و بر اهمیت نقش و رفتار خانواده در ارتقای بهداشت روانی نوجوانان دختر و پسر تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای تهاجمی؛ تعارضات خانوادگی؛ نوجوانان؛ شیراز؛ داراب.

مقدمه

رفتارهای تهاجمی هم بر نوجوانان اثر می‌گذارد و هم می‌تواند محیط پیرامونی آنها را نایمن سازد. برای مثال، رفتارهای تهاجمی نوجوانان موجب افزایش میزان مردودی در میان آنها می‌گردد. همچنین می‌تواند محیط مدرسه و حتی مسیر بین خانه و مدرسه را ناامن کند. مطالعات پیشین نشان دهنده آن هستند که رفتارهای مشکل‌زا یکدیگر را تقویت می‌کنند. برای مثال احتمال بیشتری هست که نوجوانانی که درگیر رفتارهای تهاجمی می‌شوند، در رفتارهای پر خطر دیگر همچون استفاده از مواد مخدر یا نشاط آور و دیگر اشکال بزهکاری نیز وارد شوند (کاتالانو و همکاران^۱، ۲۰۰۲). از سوی دیگر تداوم و ثبات رفتارهای تهاجمی در نوجوانی می‌تواند به رفتارهای تهاجمی در بزرگسالی بیانجامد (هوزمان^۲، ۱۹۸۸).

نوجوانی یک دگرگونی روانی، جسمانی، شناختی و تغییر در الزامات اجتماعی است که ممکن است منجر به ناسازگاری و رفتارهای تهاجمی آنان شود. رفتار تهاجمی رفتار هدفداری است که در جهت تحقیر و یا تخفیف شخصیت دیگران و آسیب رساندن به آنها صورت می‌گیرد. خانواده یکی از واحدهای مهم و تعیین کننده سرنوشت افراد هر جامعه است و رفتارهای والدین در این واحد از عوامل بسیار مؤثر بر وضعیت فرزندان آنها است. در بسیاری از موارد رفتار والدین به صورت تعارض با همدیگر یا با فرزندان است و این نحوه رفتار می‌تواند عواقب ناخواسته زیادی مانند رفتارهای تهاجمی، ناسازگاری و اضطراب در فرزندان ایجاد کند (موسوی، ۱۳۸۷). بررسی بحران‌های نوجوانی نیمه عمر نشان داده که رفتار خانواده و

1 Catalano et al.

2 Huesman.

رابطه والدین - نوجوان با رشد رفتاری و روانی آنان تطابق دارد. رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم، جو نامساعد خانواده، وجود رفتارهای تهاجمی در پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی عدالتی در مورد نوجوان، احساس ناامنی در نوجوان، بی ارزش شمردن و تحقیر وی در خانه و بیرون از خانه، دخالت بیش از اندازه در کار نوجوان و رفتار تهدیدآمیز از علل روانی-اجتماعی در رفتارهای تهاجمی نوجوان است (صافی، ۱۳۷۷).

امروزه یکی از مسائل مربوط به دوران نوجوانی وجود رفتارهای تهاجمی در کودکان و نوجوانان است. نوجوانانی که دارای رفتارهای تهاجم آمیز می باشند، معمولاً قدرت مهار رفتار خود را ندارند و رسوم و اخلاق جامعه‌ای را که در آن زندگی می کنند زیر پا می گذارند و در نتیجه حرکات آنها باعث آزار و اذیت اطرافیان می شود. عدم مهار رفتار تهاجمی علاوه بر اینکه می تواند باعث ایجاد مشکلات بین فردی، بزه و تجاوز به حقوق دیگران شود، می تواند درون ریزی شده و زمینه ساز انواع مشکلات جسمی، روانی و آسیب های جدی اجتماعی شود، رفتارهای تهاجمی در همه سنین کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی وجود دارد ولی بیشترین زمینه بروز و ظهور رفتارهای تهاجمی در سنین نوجوانی است، که پیشگیری از این مشکل و کاهش آن همچنین آگاهی خانواده ها، مدیران و معلمان مدرسه از علائم و علل ایجاد آن و نیز راه های برخورد با این مساله اجتماعی را کاملاً ضروری می کند. خانواده به عنوان اولین برخورد فرد با اجتماع و رابطه با دیگران می تواند نقطه عطفی در چگونگی و شناخت میزان رفتارهای تهاجمی نوجوانان و کاهش یا افزایش تنش های ناشی از تعارضات والدین و برخوردهای والد- فرزند باشد.

جامعه ایران دارای یک جمعیت جوان است این موضوع باعث شده که از لحاظ نیازها و مشکلات جوانان حادث تر گردد. بدین جهت بی توجهی به مسائل جوانان می تواند هزینه های بالفعل و بالقوه بسیاری را چه در حال و چه در آینده به همراه داشته باشد. امروزه یکی از عواطف متداول در بین نوجوانان خشم و رفتارهای تهاجمی است که از رفتارهای نامطلوبی هستند که خانواده ها و دیگر اطرافیان از آسیب های آن در امان نبوده و رنج می برند. رفتار تهاجمی از این منظر که در محدوده روابط متقابل اجتماعی تجلی و بروز می یابد حائز اهمیت است. ایجاد هیجان های شدید به دنبال تغییرات جسمانی، روانی و شناختی در نوجوانان ممکن

است منجر به ناسازگاری و بروز رفتارهای تهاجمی در آنان شود. رفتار اعضای خانواده می‌تواند در بروز آن نقش بسزایی داشته باشد. خانواده اصلی ترین نقش را در تربیت فرزندان به عهده دارد و ریشه و بنیان بسیاری از کجروی‌ها و مشکلات عاطفی-هیجانی فرزندان در درون نابسامانی‌های این نظام کوچک قرار دارد. خانواده می‌تواند اعضای خود را در برابر انحرافات و مشکلات عاطفی-هیجانی تا حدود زیادی بیمه کند یا زمینه را برای حرکت در مسیر ناسازگاری و سرکشی فراهم کند. تحقیقات نشان داده‌اند نوجوانانی که از لحاظ عاطفی در محیط خانواده با کمبود مواجه‌اند، والدین آنها با هم در تضاداند، خانواده‌ای از هم گسیخته دارند یا با برخورد‌های نامناسب و متعارض والد-فرزند رو به رو هستند ممکن است هنگام ورود به اجتماع نتوانند خود را با هر موقعیتی سازگار سازند و به انواع رفتارهای نابهنجار یا مکانیزم‌های دفاعی متوسل شوند که یکی از آنها رفتارهای تهاجمی است. از آنجا که جوانان وارثان اجتماع و آینده‌اند پژوهش و تحقیق در زمینه مراحل بحرانی دوران نوجوانی و شناخت آسیب‌های اجتماعی و روانی این دوره از زندگی آنها اهمیت و ضرورت اساسی دارد. هدف کلی در این تحقیق، بررسی تعارضات خانوادگی و رفتارهای تهاجمی در نوجوانان است که تعارضات خانوادگی در سه بخش در ارتباط با رفتارهای تهاجمی سنجیده شده است. «رابطه پرتعارض بین والدین، تعارضات والدین با فرزندان در مقابل دیگران و در خانه».

مروری بر مطالعات پیشین

مطالعه شفیع‌ی و صفاری نیا (۱۳۹۰) نشان دهنده آن است که بین خودشیفتگی و متغیرهای عزت نفس و رفتارهای تهاجمی رابطه مثبت و بین عزت نفس و رفتارهای تهاجمی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. همچنین عزت نفس پایین بیشترین سهم را در پیش‌بینی رفتارهای تهاجمی در نوجوانان بر عهده دارد. یافته‌های آهنگرانزایی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین سبک دمکراتیک و پرخاشگری، پرخاشگری فیزیکی و خصومت رابطه وجود دارد.

نتایج تحقیق موسوی و همکارانش (۱۳۸۷) نشان داد که رفتارهای تهاجمی مادران رابطه معکوس معنی‌داری با معدل دانش‌آموزان، تعداد فرزندان و میزان تحصیلات مادر دارد.

رفتارهای تهاجمی پدران رابطه معنی داری با تعداد فرزندان، رتبه تولد فرزند، شغل و میزان تحصیلات پدر دارد. یافته‌های گلچین (۱۳۸۱) نشان می‌دهند که رفتارهای تهاجمی در اکثر نوجوانان (۴۰٪) در حد متوسط است. همچنین نقش خانواده را در کاهش یا افزایش رفتارهای تهاجمی نوجوانان تایید می‌کند. برازجانیان (۱۳۸۰) با مطالعه بر روی گروهی از دانش آموزان پسر دریافت که بین رضایت از خانواده، شغل والدین، وضع اقتصادی خانواده با رفتارهای تهاجمی رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. همچنین رابطه رفتارهای تهاجمی با مشکلات دانش آموزان، میزان گذران اوقات فراغت، داشتن وسایل شخصی نیز معنی دار و مثبت است.

تحقیق کاهنی و همکارانش (۱۳۷۹) نشان دهنده آن است که رفتارهای نابهنجار در نزد نوجوانان دختر و پسر متفاوت است، به طوری که میزان افسردگی و اضطراب در دختران خانواده‌های گسسته بیش از پسران و میزان رفتارهای تهاجمی و بزهکاری در پسران خانواده‌های گسسته بیشتر از دختران است. عارفی (۱۳۷۸) نشان داد که رابطه معناداری بین پرخاشگری آشکار و ارتباطی و سازگاری عاطفی - اجتماعی نوجوانان وجود دارد. پرخاشگری آشکار پسران بطور معنی داری بیش از دختران و پرخاشگری ارتباطی دختران به طور معنی داری بیشتر از پسران است.

با مطالعه کارهای انجام شده در خارج از کشور بهتر می‌توان به دسته بندی نتایج آنها پرداخت. برخی از پژوهشگران بر این عقیده اند که تضادهای زناشویی بر توسعه اجتماعی - عاطفی فرزندان بطور مستقیم با شکل دادن به شناختها و ادراکات فرزندان تأثیر می‌گذارند (پریور و پاتیسون^۱، ۲۰۰۷؛ دیویس و کامینگز^۲، ۱۹۹۸؛ گریچ و فیشام^۳، ۱۹۹۰). نتایج احدی و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که میان سبک فرزندپروری دموکراتیک و رفتارهای تهاجمی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. شمین و همکارانش^۴ (۲۰۰۷) به مطالعه رابطه تعارض والدین با کارکرد روانشناختی فرزندان بر روی گروهی از نوجوانان ۶-۱۲ ساله و مادرانشان پرداخته اند. یافته‌های تحقیق رابطه معنی داری را بین محتوای ارتباط فرزند-مادر (برای مثال اعتبار یابی^۵

1 Pryor & Pattison.

2 Davies & Cumming.

3 Grych & Ficham.

4 Shipman, et al,

5 Validatoon.

و باطل سازی^۱) و سازگاری فرزندان (برای مثال: فاش سازی مشکلات، افسردگی) نشان می دهند. برخی دیگر بر این عقیده اند که این تعارضات بر توانایی فرزندان برای تنظیم عواطف شان اثر می گذارد (گوتمان و کاتز^۲، ۱۹۸۹). گروهی دیگر بر این عقیده اند که تضاد زناشویی بطور غیر مستقیم با دگرگون کردن اعمال والدین و کیفیت روابط والد-فرزندی بر ناسازگاری فرزندان اثر می گذارند (ارل و بورمن^۳، ۱۹۹۵؛ فوبر و همکاران^۴، ۱۹۹۰). مطالعه اسفندیاری و همکارانش (۲۰۰۷) با مطالعه بر روی گروهی از جوانان بیان می دارند که یک رابطه قوی بین مسائل رفتاری بیرونی جوانان (رفتارهای تهاجمی) و تضاد بین والدینی وجود دارد. همچنین رابطه معنی داری بین روابط مثبت خانوادگی و کاهش مسائل رفتاری بیرونی بچه‌ها وجود دارد. بچه‌هایی که در خانواده‌های ناسازگار و خشن زندگی می کنند بیشتر در معرض خطر آسیب شناسی روانی قرار دارند. به علاوه، تعارضات والدین با دسته ای از رفتارهای مسئله محور جوانان مانند رفتارهای تهاجمی، بزهکاری و بد رفتاری مداوم مرتبط است.

یافته‌های گریچ و همکارانش^۵ (۲۰۰۴) نشان می دهد که جوانانی که در معرض تضاد حل نشده و شدید قرار دارند بیشتر احساس زاویه بندی^۶ می کنند. روابط حمایتی والد-فرزند ارزیابی جوانان را از تهدید و خود مقصری برای تضاد بین والدینی کاهش می دهند در حالی که روابط همدلانه با خواهران و برادران این ارزیابی‌ها را افزایش می داد. روابط نزدیک و دوستانه با پدر به عنوان یک عامل حمایتی اثر کژ سازگاری را کاهش می داد. مطالعه مک‌کلین^۷ (۱۹۹۳) نشان می دهد که رابطه معنی دار مثبتی بین ادراک نوجوانان از تعارضات والدینی و نرخ ادراک مادران از اختلالات رفتاری نوجوانان در سطح ۰/۰۰۱ معنی داری وجود دارد. نوجوانان سبکهای تعارض والدینشان را برای خود الگو می کنند. دیدگاه نوجوانان از تعارض والدین به دیدگاه مادرانشان نسبت به تعارض والدین شبیه تر است تا دیدگاه پدرانشان.

1 Invalidation.

2 Gottman & Katz.

3 Erel & Burman

4 Fauber et al.

5 Grych et al.

6 Triangulation.

7 Mcclain.

مبانی نظری پژوهش و ارایه چارچوب نظری تحقیق

رفتارهای تهاجمی را می‌توان یک حالت گذرا و یا یک بخش از رشد و تحول دانست. رفتارهای تهاجمی معمولاً به رفتاری گفته می‌شود که قصد آن آسیب رساندن (جسمانی یا زبانی) فرد به دیگران یا نابود کردن دارایی آنهاست. واژه اصلی در این تعریف، قصد است. برخی از روان‌شناسان بین رفتارهای تهاجمی خصمانه که تنها قصد آن آسیب زدن است و رفتارهای تهاجمی به عنوان وسیله‌ای که هدف آن به دست آوردن پاداش است و نه آسیب زدن به دیگران، فرق می‌گذارند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۲). نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای تبیین گسترش رفتارهای تهاجمی مطرح می‌شود. هر کدام از این نظریه‌ها می‌توانند بخشی از این پدیده اجتماعی را تبیین کنند و یا افق بینشی موضوع تحقیق را گسترش دهند. در اینجا به اختصار برخی از نظریه‌های مرتبط را مرور می‌کنیم:

نظریه تأثیرات انتخابی معتقد است که خصیصه‌های شخصیتی والدین و توانایی‌های شناختی آنها می‌تواند بر خصیصه‌های بچه‌هایشان از طریق محیط درون خانه، از طریق انتقال ژنتیکی و یا بطور محتمل تر از طریق ترکیبی از این دو اثر بگذارد. این دیدگاه بر این باور است که رخدادهای دوران اولیه زندگی بر رخدادهای بعدی زندگی افراد تأثیرات بلند مدت می‌گذارد (فومبای و چرلین^۱، ۲۰۰۷). در دیدگاه فروید رفتارهای تهاجمی عمدتاً ناشی از سرکوب غرایز است که به سوی خود و آزار به خود متوجه شده و سپس به آزار دیگران می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

برخی معتقدند که رفتارهای تهاجمی می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند، ملال انگیز از قبیل دلتنگی و غیره و یا نهایتاً ناکامی^۲ باشد. اگر فردی در رسیدن به هدف خود باشکست روبرو شود، ناکامی حاصل احتمال بروز رفتارهای تهاجمی را در وی افزایش می‌دهد. در اینجا می‌باید به این نکته توجه داشت که دو مفهوم ناکامی و محرومیت تمایز قائل شد. ناکامی اصولاً نتیجه محرومیت نیست بلکه زاده محرومیت نسبی است (ارونسون، ۱۳۷۰: ۱۶۸-۱۶۹). تا هنگامی که امید برآورده نشده وجود دارد رفتارهای تهاجمی نیز وجود دارد. رفتارهای

1 Fomby & Cherlin.

2 Frustration.

تهاجمی را یا با از میان برداشتن امید و آرزو یا با برآوردن آن می‌توان کاهش داد (همانجا: ۱۷۰).

نظریه یادگیری اجتماعی بر کنش متقابل بین فردی آدمیان توجه دارد. در این نظریه، رفتارهای تهاجمی به عنوان پاسخی آموخته شده محسوب می‌شود. رفتارهای تهاجمی ممکن است از راه مشاهده یا تقلید آموخته شود و هرچه بیشتر تقویت شود احتمال وقوع آن بیشتر می‌شود. ناکامی به ویژه کسانی را به رفتارهای تهاجمی بر می‌انگیزد که یاد گرفته‌اند در برابر موقعیت‌های ناراحت کننده، رفتارهای تهاجمی نشان دهند. در نظریه یادگیری اجتماعی فرض می‌شود که: (۱) رفتارهای تهاجمی فقط یکی از چند واکنش احتمالی به تجربه نامطبوع ناکامی است؛ (۲) رفتارهای تهاجمی پاسخی است فاقد ویژگی‌های سائق و در نتیجه از پیامدهای رفتاری مورد انتظار، اثر می‌پذیرد (اتکینسون، ۱۳۸۲). به نظر ارونسون در خصوص یادگیری اجتماعی باید به نیت و قصد شخص توجه نمود. محرک‌های ویژه‌ای می‌توانند در افرادی که ظاهراً ناکام نشده‌اند رفتارهای تهاجمی ایجاد کنند (ارونسون، ۱۳۷۰: ۱۷۱-۱۷۲). با توجه به این دیدگاه کودکان رفتارهای تهاجمی بزرگسالان را پس از مشاهده، سرمشق خود قرار می‌دهند، و مشاهده‌ی رفتارهای تهاجمی دیگر محرکی برای آنها جهت انجام این رفتار می‌شود (ارونسون، ۱۳۷۰: ۱۷۲).

گروهی از پژوهشگران بر شرایط اجتماعی در تحریک رفتارهای تهاجمی تأکید گذاشته‌اند. برخی از عوامل اجتماعی رفتارهای تهاجمی عبارتند از: ناکامی، رفتارهای تهاجمی برای حذف رقیب، رفتارهای تهاجمی سبب رفتارهای تهاجمی می‌شود، تشدید ناراحتی‌ها و... (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). کاپلان این عوامل را بر اساس زیر فهرست می‌کند: (۱) بالا بودن سطح تحریک فیزیولوژیک: برخی پژوهش‌ها حاکی است که تحریک شدید ناشی از علل گوناگون نظیر شرکت در فعالیت‌های مسابقه‌ای، ورزش‌های سنگین و مشاهده فیلم‌های تحریک کننده موجب افزایش رفتارهای تهاجمی پنهان می‌گردند؛ (۲) تحریک جنسی: پژوهش‌های جدید حاکی است که تأثیر تحریک جنسی بر رفتارهای تهاجمی قویاً بستگی به نوع منبع شهوانی مورد استفاده برای ایجاد چنین واکنش‌ها دارد. وقتی منبع شهوت انگیز ملایم باشد، رفتارهای

تهاجمی کاهش می یابد. وقتی بسیار صریح باشد، رفتارهای تهاجمی شدت می یابد؛ (۳) درد: درد جسمی ممکن است عاملی برای تحریک سائق رفتار تهاجمی گردد (کاپلان، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

چارچوب نظری تحقیق

برخی از نظریات فوق می تواند به نوعی در چارچوب نظری این تحقیق قرار گیرند لکن هر یک از آنها به تنهایی توان جواب گویی به چهارچوب انتخابی ما را ندارند. رابطه بین تعارضات زناشویی و والدینی و سازگاری بچه ها توسط مطالعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. این تضادها با دامنه ای از شاخص های ناسازگاری فرزندان مرتبط است (گریچ و همکاران^۱، ۱۹۹۲؛ هارولد و همکاران^۲، ۱۹۹۲؛ کاتز و گوتمان^۳، ۱۹۹۳؛ بوچلر و گرالد^۴، ۲۰۰۲). تحقیقات انجام شده نشان می دهند که تضادهای والدینی با دامنه ی وسیعی از درونی سازی (مانند افسردگی^۵) و برونی سازی (مانند رفتارهای تهاجمی) در بچه ها رابطه دارد. همچنین تضادهای زناشویی با رفتارهای تهاجمی بخصوص در میان بچه های هیكل مند رابطه دارد (گریچ و فینچ مان^۶، ۱۹۹۰؛ جنکینز و اسمیت^۷، ۱۹۹۰). به نظر می رسد که برای توضیح رفتارهای تهاجمی نوجوانان می توان از نظریه هایی استفاده کرد که به نوعی رابطه بین والدین و فرزندان را مورد توجه قرار داده اند. در این میان گراهام برمان^۸ از دیدگاهی نزدیک به روان شناسی اجتماعی و نظریه فمینیستی به عنوان دو مکانیزم تحت رابطه ی فرزندان و والدین استفاده می کند. بر طبق دیدگاه وی، نظریه شناخت اجتماعی فرض خود را بر این می گذارد. بچه ها خشونت را که در خانواده هایشان تقویت می شود، مشاهده می کنند و یاد می گیرند که خشونت راه مؤثری برای حل مشکلات است. در این مدل، اگر فرزندان به این نتیجه برسند که همه ی تضادها به رفتارهای تهاجمی ختم می شوند و بسیاری از نشانه های اجتماعی را به عنوان

1 Grych et al.

2 Harold et al.

3 Katz & Gottman.

4 Buehler & Gerard.

5 Depression.

6 Grych & Finchman.

7 Jenkins & Smith.

8 Graham Bermann.

تهدید تفسیر کنند، این احتمال وجود دارد که آنها گرایش به رفتارهای تهاجمی داشته باشند (روچ^۱، ۲۰۰۹). به نظر گراهام- برمان مدل فمینیستی نیز می تواند تعارضات والدین و گرایش به رفتارهای تهاجمی را توضیح دهد. بر اساس این نظریه بچه‌ها تفاوت‌های قدرت بین والدین را می آموزند و یاد می گیرند که خشونت قابل پذیرش است (برای مثال پدر بیش از مادر قدرت دارد)، و این باورها در باره مقبولیت تفاوت‌های قدرت و خشونت نسبت به زنان توسط پیام‌های جامعه‌ای تقویت می‌شود.

این دو نظریه مضامین مهمی برای فهم پیوند بین روابط خانوادگی به شکل تعارض و رفتارهای تهاجمی نوجوانان دارند. نظریه‌ی شناخت اجتماعی پیش بینی می‌کند که فرزندان که بیشتر تضادهای والدین را مشاهده می‌کنند، احتمالاً بیشتر درگیر رفتارهای تهاجمی می‌شوند، زیرا آنها بر این باورند که این رفتارهای تهاجمی پاداش‌هایی را در بر خواهد داشت. این نظریه معتقد است که والدین بطور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتارهای تعاملی فرزندان تأثیر می‌گذارند (پتی و همکاران^۲، ۱۹۹۱؛ هارت و همکاران^۳، ۱۹۹۰).

تعارضات والدین و بطور کلی تر تعارضات خانوادگی اگر چه به دلایل مختلف می‌تواند صورت گیرد، اما در هر حال می‌تواند به عنوان مدلی برای یادگیری فرزندان در آیند که در آینده توسط فرزندان در مواقع مختلف به اجرا گذاشته شود. از سوی دیگر شیوه‌های تربیتی سخت گیرانه و برخوردهای تند والدین با فرزندان نیز می‌تواند به رفتارهای تهاجمی در فرزندان بیانجامد. بیانات تند و توهین آمیز، ایجاد محرومیت‌های موقتی و یا دائم فرزندان که شاید در جهت تربیت آنها انجام گیرند نیز می‌توانند به نتایج منفی و معکوسی همچون گرایش به رفتارهای تهاجمی بیانجامد. در اینجا نیز شناخت اجتماعی از عوامل میانجی رابطه بین والدین و فرزندان است. برای مثال مهارت‌های حل مسئله‌ی بین شخصی میانجی رابطه بین شیوه‌های انضباطی والدین و رفتارهای پذیرشی در بین فرزندان بوده‌اند (ویس و همکاران^۴، ۱۹۹۲؛ دوچ و همکاران^۵، ۱۹۹۰؛ هارت و همکاران، ۱۹۹۰). بنابر این شیوه سخت تربیتی و انضباطی والدین

1 Roche

2 Pettit et al.

3 Hart et al.

4 Weiss.

5 Dodge

با فرزندان می‌تواند به رفتارهای مختلفی همچون گرایش به رفتارهای تهاجمی بیانجامد. یکی از دلایل این امر آن است که ایجاد محرومیت و ناکامی، همچنانکه کاپلان نیز می‌گوید، همیشه منجر به گرایش رفتارهای تهاجمی می‌گردد (کاپلان، ۱۳۸۴). در نتیجه احساس ناکامی در آنان شکل می‌گیرد و در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای تهاجمی بین نوجوانان می‌گردد. روابط والدین - فرزند می‌تواند به گونه‌ای باشد که برخوردهای نامناسب والدین با فرزندان موانعی برای دستیابی نوجوانان به اهداف مطلوبشان باشد و یا باعث سرزنش، محرومیت و ایجاد تنش‌های روانی در نوجوانان شود که این نیز می‌تواند منجر به احساس ناکامی و بروز رفتارهای تهاجمی در نوجوانان گردد.

از سوی دیگر عوامل مختلف دیگری می‌توانند بر روی رفتارهای والدین و تعاملات آنها با یکدیگر و با فرزندانشان تأثیر گذارند. عوامل زمینه‌ای همچون شغل، تحصیلات، درآمد و طبقه‌ی اجتماعی می‌توانند بر نوع حل مسئله‌ی بین والدین و فرزندان تأثیر داشته باشند. برای مثال می‌توان انتظار داشت که افراد تحصیل کرده نوع حل مسئله‌ی خانوادگی شان بسیار متفاوت از افراد با تحصیلات پایین و یا تحصیل نکرده باشد. همچنین نوع مشاغل و طبقه‌های اجتماعی مختلف، و حضور در شبکه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی نیز موجب می‌شود که نحوه‌ی تعاملات افراد متفاوت باشد. انتظار می‌رود که افراد طبقات بالا بسیاری از مشکلات اقتصادی طبقات پایین اجتماعی را که می‌توانند موجب تعارضات خانوادگی و درگیری با فرزندان شوند، نداشته باشند. بر این اساس می‌توان با توجه به چارچوب نظری بالا و تحقیقات پیشین، فرضیه‌های زیر را ارائه نمود:

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین تحصیلات پدر و رفتارهای تهاجمی فرزندان وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین تحصیلات مادر و رفتارهای تهاجمی فرزندان وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین طبقه اجتماعی پاسخگو و رفتارهای تهاجمی نوجوانان

وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین جنسیت پاسخگو و رفتارهای تهاجمی نوجوانان وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین تعارض والدین و رفتارهای تهاجمی فرزندان وجود دارد.

۶- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین تعارض والدین با فرزندان در خانه و رفتارهای تهاجمی فرزندان وجود دارد.

۷- به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران و رفتارهای تهاجمی فرزندان وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و با تکنیک پرسشنامه خود گزارشی اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. جامعه آماری این تحقیق شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در دو شهر شیراز و داراب بوده‌اند. نمونه‌گزینی در شیراز با ضریب پایایی 5%، سطح اطمینان 95 درصد مساوی 600 نفر بود که برای رسیدن به این مقدار 820 نفر دانش‌آموز را در نواحی چهارگانه انتخاب کردیم. که از این مقدار 800 پرسشنامه به دست ما رسید. در داراب ضریب پایایی 5%±، سطح اطمینان 95 درصد مساوی جمعیت ما برابر با 383 نفر بود که برای رسیدن به آن 450 دانش‌آموز انتخاب کردیم که تمامی آنها به دست ما رسید. روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بر اساس جمعیت هر ناحیه سهمی از نمونه به نواحی اختصاص یافت. سپس در هر ناحیه تعدادی از مدارس راهنمایی به طور تصادفی انتخاب و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز همچنان به نسبت پرسش‌نامه‌ها توزیع شدند.

تعریف مفاهیم

تعارض والدینی: استوارت معتقد است که تعارض موقعیتی است که در آن هر یک از شرکا به دنبال تمایلات شخصی خودشان هستند و قاعده‌ای جهت تصمیم‌گیری برای بدست

آوردن منابع با ارزش نمی یابند (مقدس^۱، ۲۰۰۸). در این مطالعه اختلاف پنهان و آشکار والدین با یکدیگر که با مجادله، دعوا یا درگیری و یا کناره گیری همراه هستند، مورد توجه قرار گرفته است. این متغیر در قالب طیف لیکرت با ۲۳ گویه مورد سنجش گرفته است. برای ارزیابی روایی همبستگی درون گویه‌ها از سنجه کروباخ آلفا استفاده گردید و مقدار آلفای بدست آمده برابر با ۹۶/ است که بیانگر روایی مطلوب گویه‌ها است.

تعارض والدین - فرزندان: این متغیر از دو بخش تشکیل شده است. نخست برخوردی

است که والدین در میان دیگران با فرزندانشان می کنند و دوم برخوردی است که آنها در خانه با فرزندانشان می کنند. متغیر تعارض والدین با فرزندان در میان دیگران در قالب طیف لیکرت با ۱۰ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. برای ارزیابی روایی همبستگی درون گویه‌ها از سنجه کروباخ آلفا استفاده شد و مقدار آلفای بدست آمده برابر با ۹۱/ است که بیانگر روایی مطلوب گویه‌ها است. آلفای کروباخ طیف رابطه با والدین در خانه با ۲۰ گویه برابر ۹۲/ است.

طبقه اجتماعی: به موقعیت اجتماعی فرد در یک گروه یا به مرتبه اجتماعی او در یک

گروه در مقایسه با گروه دیگر اطلاق می شود (کوئن، ۱۳۸۱: ۲۴۰). در این تحقیق این متغیر به روش ذهنی به بخش‌های بالا، متوسط، پایین، کارگر تقسیم شده است و در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است.

گرایش به رفتارهای تهاجمی: ارونسون رفتارهای تهاجمی را عملی تعریف می کند

که هدف آن اعمال صدمه و رنج است (ارونسون، ۱۳۷۰: ۱۶۳). وی رفتارهای تهاجمی را به دو گروه وسیله ای^۲ و فی نفسه تقسیم می کند (همانجا، ۱۶۴). در نوع اول رفتار تهاجمی وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی دیگر است، اما در نوع دوم با هدف آسیب جسمانی و یا روانی به دیگران انجام می پذیرد. این متغیر با ۱۷ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است و مقدار آلفای بدست آمده برابر با ۹۳/ است که بیانگر روایی مطلوب گویه‌ها است.

1 Moqaddas.

2 Instrumental Aggression.

یافته‌های تحقیق یافته‌های توصیفی

متغیر گرایش به رفتارهای تهاجمی در نوجوانان از ادغام ۱۷ گویه بدست آمده است. جدول شماره ۱ توزیع فراوانی این متغیر را به تفکیک شهر محل سکونت نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان می‌دهند که بیشترین مقدار میانگین رقم ۱/۷۶ در بین دختران و مربوط به گویه «درگیری با خواهرها و برادرها» و در بین پسران رقم ۱/۴۷ مربوط به گویه «بکار بردن کلمات رکیک در دعوا» است. کمترین مقدار میانگین یعنی رقم ۷۰/ در بین دختران مربوط به گویه «مزاحمت برای دیگران در خیابان یا اماکن عمومی» و برای پسران رقم ۱/۰۳ مربوط به «بی احترامی به والدین» کمترین مقدار میانگین است. بیشترین رقم برای دختران شیرازی ۱/۸۷ و برای دختران دارابی رقم ۱/۳۴ متعلق به «درگیری با خواهرها و برادرها» است. گویه‌های «تهدید دیگران به اینکه مسائل شان را فاش می‌کنید»، «نوشتن و یا کشیدن موضوعاتی بر روی در و دیوار مدرسه که جامعه آنها را قبیح می‌داند» با رقم ۹۲/ کمترین مقدار میانگین را در بین دختران شیرازی به خود اختصاص می‌دهند. گویه‌های «مزاحمت برای دیگران در خیابان یا اماکن عمومی» با رقم ۰۵/، «مزاحمت برای جنس مخالف در خیابان و مانند آن» با رقم ۰۷/ کمترین مقادیر میانگین را در بین دختران دارابی به خود اختصاص می‌دهند. بیشترین مقدار میانگین مربوط به گویه «دادن نام‌ها و یا لقب‌های نامناسب به دیگران» است که در بین پسران شیرازی رقم ۱/۸۴ و در بین پسران دارابی رقم ۱/۱ است. کمترین مقدار میانگین در بین پسران شیرازی مربوط به گویه‌های «بی احترامی به والدین»، «بی احترامی به یکی از مسئولین مدرسه» می‌باشد. و در بین پسران دارابی «نوشتن و یا کشیدن موضوعاتی بر روی در و دیوار مدرسه که جامعه آنها را قبیح می‌داند»، «بی احترامی به یکی از مسئولین مدرسه» کمترین مقدار میانگین را به ترتیب ارقام ۳۷/ و ۳۸/ دارا هستند.

هر یک از گویه‌های جدول ۱ در شماره‌های زیر بیان شده است:

- ۱- بدگویی پشت سر یکی از اولیای مدرسه
- ۲- توهین به همکلاسی‌ها
- ۳- درگیری بدنی (کتک کاری) با دیگران
- ۴- بی‌احترامی به یکی از مسئولین مدرسه
- ۵- ترساندن همکلاسی‌ها
- ۶- درگیری با خواهرها و برادرها
- ۷- تهدید دیگران به زدن
- ۸- مزاحمت برای دیگران در خیابان یا اماکن عمومی
- ۹- رساندن مردم در اماکن عمومی (ترقه منفجر کردن و...)
- ۱۰- مزاحمت برای جنس مخالف در خیابان و مانند آن
- ۱۱- بی‌احترامی به والدین
- ۱۲- دادن نام‌ها و یا لقب‌های نامناسب به دیگران
- ۱۳- هل دادن و تنه زدن به دیگران
- ۱۴- بکار بردن کلمات رکیک در دعوا
- ۱۵- مزاحمت تلفنی برای دیگران
- ۱۶- تهدید دیگران به اینکه مسایل شان را فاش می‌کنید
- ۱۷- نوشتن و کشیدن موضوعاتی بر در و دیوار مدرسه که جامه قبیح می‌داند

**جدول ۱- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب گویه‌های متغیر رفتارهای
تهاجمی نوجوانان به تفکیک شهر محل سکونت**

شیراز								شماره گویه
پسر				دختر				
تفکیک شهر	معیار حداقل	تفکیک شهر	معیار حداقل	تفکیک شهر	معیار حداقل	تفکیک شهر	معیار حداقل	
۵	۰	۱/۱۵	۱/۵۳	۵	۰	۱/۲۶	۱/۵۵	۱
۵	۰	۱/۱۴	۱/۶۴	۵	۰	/۹۴	۱/۱۹	۲
۵	۰	۱/۱۸	۱/۷۲	۵	۰	/۸۴	/۹۷	۳
۵	۰	/۹۴	۱/۳۵	۵	۰	/۷۸	/۹۷	۴
۵	۰	۱/۲۲	۱/۶۵	۵	۰	۱/۰۱	۱/۱۵	۵
۵	۰	۱/۱۲	۱/۶۷	۱۰	۰	۱/۳۹	۱/۸۷	۶
۵	۰	۱/۱۶	۱/۶۵	۵	۰	/۹۹	۱/۰۶	۷
۵	۰	۱/۰۱	۱/۴۲	۵	۰	/۷۴	/۸۸	۸
۵	۰	۱/۱۴	۱/۵۳	۵	۰	/۸۴	/۹۳	۹
۵	۰	۱/۲۷	۱/۶۳	۱۱	۰	۱/۱۰	۱/۰۶	۱۰
۵	۰	/۸۹	۱/۳۳	۵	۰	/۸۴	۱/۰۳	۱۱
۵	۰	۱/۲۹	۱/۸۴	۵	۰	۱/۰۹	۱/۲۸	۱۲
۵	۰	۱/۱۱	۱/۶۰	۵	۰	/۹۰	۱/۰۵	۱۳
۵	۰	۱/۳۴	۱/۸۱	۵	۰	۱/۰۲	۱/۰۹	۱۴
۵	۰	۱/۱۷	۱/۵۶	۵	۰	۱/۱۷	۱/۲۲	۱۵
۵	۰	۱/۰۸	۱/۴۸	۵	۰	/۷۹	/۹۲	۱۶
۵	۰	۱/۰۳	۱/۳۷	۵	۰	/۸۵	۹۲	۱۷

**ادامه جدول ۱- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب گویه‌های
متغیر رفتارهای تهاجمی نوجوانان به تفکیک شهر محل سکونت**

داراب								شماره گویه
پسر				دختر				
میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	
۱/۳۹	۱/۳۹	۰	۵	۱/۲۸	۱/۲۸	۰	۵	۱
۱/۲۵	۱/۲۵	۰	۵	۱/۷۷	۱/۷۷	۰	۳	۲
۱/۲۴	۱/۲۴	۰	۵	۱/۵۵	۱/۵۵	۰	۵	۳
۱/۹۹	۱/۹۹	۰	۵	۱/۵۹	۱/۵۹	۰	۵	۴
۱/۳۴	۱/۳۴	۰	۵	۱/۱۱	۱/۱۱	۰	۵	۵
۱/۲۵	۱/۲۵	۰	۵	۱/۵۳	۱/۵۳	۰	۵	۶
۱/۳۱	۱/۳۱	۰	۵	۱/۸۷	۱/۸۷	۰	۵	۷
۱/۰۱	۱/۰۱	۰	۵	۱/۳۸	۱/۳۸	۰	۵	۸
۱/۱۲	۱/۱۲	۰	۵	۱/۶۳	۱/۶۳	۰	۵	۹
۱/۱۱	۱/۱۱	۰	۵	۱/۴۰	۱/۴۰	۰	۵	۱۰
۱/۸۲	۱/۸۲	۰	۵	۱/۸۷	۱/۸۷	۰	۵	۱۱
۱/۵۲	۱/۵۲	۰	۵	۱/۸۰	۱/۸۰	۰	۵	۱۲
۱/۳۸	۱/۳۸	۰	۵	۱/۷۹	۱/۷۹	۰	۴	۱۳
۱/۲۹	۱/۲۹	۰	۵	۱/۶۶	۱/۶۶	۰	۵	۱۴
۱/۳۳	۱/۳۳	۰	۵	۱/۵۶	۱/۵۶	۰	۳	۱۵
۱/۹۸	۱/۹۸	۰	۵	۱/۴۶	۱/۴۶	۰	۳	۱۶
۱/۰۷	۱/۰۷	۰	۵	۱/۵۹	۱/۵۹	۰	۴	۱۷

ادامه جدول ۱- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب گویه‌های متغیر رفتارهای تهاجمی نوجوانان به تفکیک شهر محل سکونت

کل								شماره گویه
پسر				دختر				
شماره گویه	حد اقل نمره	میانگین نمره	بیشترین نمره	شماره گویه	حد اقل نمره	میانگین نمره	بیشترین نمره	
۱	۰	۱/۲۶	۱/۳۴	۵	۰	۱/۳۰	۱/۴۰	
۲	۰	۱/۲۲	۱/۴۲	۵	۰	۱/۹۶	۱/۰۳	
۳	۰	۱/۲۷	۱/۴۴	۵	۰	۱/۸۶	۱/۷۹	
۴	۰	۱/۰۵	۱/۰۴	۵	۰	۱/۸۱	۱/۸	
۵	۰	۱/۳۰	۱/۴۲	۵	۰	۱/۰۵	۱/۰۴	
۶	۰	۱/۲۲	۱/۴۲	۱۰	۰	۱/۴۳	۱/۷۶	
۷	۰	۱/۲۶	۱/۴۰	۵	۰	۱/۰۱	۱/۹۱	
۸	۰	۱/۱۱	۱/۱۱	۵	۰	۱/۷۶	۱/۷۰	
۹	۰	۱/۲۳	۱/۱۹	۵	۰	۱/۸۶	۱/۷۶	
۱۰	۰	۱/۳۳	۱/۲۷	۱۱	۰	۱/۰۷	۱/۸۵	
۱۱	۰	۱/۹۷	۱/۰۳	۵	۰	۱/۸۹	۱/۹۵	
۱۲	۰	۱/۴۱	۱/۶۱	۵	۰	۱/۰۹	۱/۰۹	
۱۳	۰	۱/۲۴	۱/۳۷	۵	۰	۱/۹۲	۱/۹۰	
۱۴	۰	۱/۴۱	۱/۴۷	۵	۰	۱/۰۲	۱/۹۰	
۱۵	۰	۱/۲۹	۱/۲۷	۵	۰	۱/۱۵	۱	
۱۶	۰	۱/۱۵	۱/۱۵	۵	۰	۱/۸	۱/۷۵	
۱۷	۰	۱/۱۴	۱/۰۵	۵	۰	۱/۸۶	۱/۷۵	

یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۲ نتایج آزمون تفاوت میانگین رفتارهای تهاجمی نوجوانان بر حسب شهر محل سکونت را نشان می‌دهد یافته‌ها نشان می‌دهند که در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان

رابطه معنی داری بین رفتارهای تهاجمی نوجوانان و شهر محل سکونت وجود دارد. نمره میانگین شهر شیراز ۱/۲۹ است در حالی که میانگین شهر داراب ۵۲۰/۵ است. بنابراین رفتارهای تهاجمی نوجوانان در شیراز در مقایسه با داراب بیشتر است. مقدار T بدست آمده ۱۹/۹۰ است و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ است.

جدول ۲- آزمون تفاوت میانگین رفتارهای تهاجمی نوجوانان بر حسب شهر محل

سکونت

شهر محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
شیراز	۸۰۰	۱/۲۹	۰/۷۳۶	۱۹/۹۰	/۰۰۰
داراب	۴۵۰	۰/۵۲۰	۰/۶۵۹		

جدول شماره ۳ نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین میزان تحصیلات پدر و مادر و متغیرهای تعارض والدین، تعارض والدین با فرزندان در خانه و خارج از خانه و رفتارهای تهاجمی فرزندان را نشان می دهد. یافته ها نشان می دهند که بین میزان تحصیلات مادر و تعارض والدین با فرزندان خارج از خانه رابطه معنی دار معکوسی وجود دارد. ($\text{Sig} = ۰/۰۳۹$ ، $r = ۰/۵۰$) بدین معنی که هرچه سطح تحصیلات مادر بیشتر شود برخورد والدین - فرزند در مقابل دیگران کمتر می شود. بین میزان تحصیلات پدر و تعارض والدین رابطه معنی دار معکوسی وجود دارد ($\text{Sig} = ۰/۰۱۶$ ، $r = -۰/۰۵۸$) یعنی هرچه سطح تحصیلات پدر بیشتر شود تعارض بین والدین کمتر می شود. بین تحصیلات پدر و رفتارهای تهاجمی ($\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ ، $r = -۰/۱۱۷$) و تحصیلات مادر با رفتارهای تهاجمی نوجوانان ($\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ ، $r = -۰/۱۱۱$) رابطه معنی دار مثبتی وجود دارد. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات پدر و مادر بالاتر باشد گرایش به رفتارهای تهاجمی فرزندان بیشتر می شود.

جدول ۳- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و مادر با متغیرهای مستقل و رفتارهای تهاجمی نوجوانان

رفتارهای تهاجمی فرزندان	تعارض والدین با فرزندان در خانه	تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران	تعارض والدین	
۰/۱۱۱**	-۰/۰۴۳	-۰/۰۵۰*	-۰/۰۳۱	تحصیلات مادر
۰/۱۱۷**	۰/۰۰۸	-۰/۰۲۲	-۰/۰۵۸*	تحصیلات پدر

جدول شماره ۴ نتایج آزمون همبستگی بین میزان تحصیلات پدر و مادر و متغیرهای تعارض والدین، تعارض والدین با فرزندان در خانه و در مقابل دیگران و رفتارهای تهاجمی نوجوانان به تفکیک دو شهر شیراز و داراب را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که در شهر داراب بین تحصیلات مادر و تعارض والدین رابطه معنی‌دار مثبت وجود دارد ($t=0/105$ ، $Sig=0/029$). بدین معنی که هرچه میزان تحصیلات مادر بیشتر باشد تعارض والدین نیز بیشتر است. در شیراز بین تحصیلات پدر و تعارض والدین رابطه معنی‌دار معکوسی وجود دارد ($t=-0/106$ ، $Sig=0/000$). یعنی هرچه سطح تحصیلات پدر بالاتر باشد تعارضات بین والدینی کمتر است. بین دو متغیر تحصیلات مادر و تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران رابطه معنی‌دار معکوسی وجود دارد ($t=-0/084$ ، $Sig=0/003$) و همچنین بین میزان تحصیلات مادر و تعارض والدین با فرزندان در خانه رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد ($t=-0/077$ ، $Sig=-0/006$). یعنی هر چه سطح تحصیلات مادر بالاتر باشد تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران و در خانه کمتر می‌شود.

جدول ۴- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و مادر با متغیرهای مستقل و رفتارهای تهاجمی نوجوانان به تفکیک شهر

شیراز				
رفتارهای تهاجمی نوجوانان	تعارض والدین با فرزندان در خانه	تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران	تعارض والدین	
۰/۲۰	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۷	-۰/۱۰۶**	تحصیلات پدر
۰/۱۱	-۰/۰۷۷**	-۰/۰۸۴**	-۰/۰۹۲**	تحصیلات مادر

ادامه جدول ۴- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و مادر با متغیرهای مستقل و رفتارهای تهاجمی نوجوانان به تفکیک شهر

داراب				تحصیلات پدر
رفتارهای تهاجمی نوجوانان	تعارض والدین با فرزندان در خانه	تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران	تعارض والدین	
-۰.۶۴	-۰.۵۰	-۰.۷۳	-۰.۰۷	
-۰.۷۴	-۰.۳۵	-۰.۳۱	۱۰۵,*	تحصیلات مادر

جدول شماره ۵ نتایج آزمون مقایسه میانگین رفتارهای تهاجمی فرزندان بر حسب درآمد خانواده به تفکیک شهرهای شیراز و داراب را نشان می دهد. یافته ها حاکی از آن است که در شهر داراب و شیراز در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان رابطه معنی داری بین درآمد خانواده و رفتارهای تهاجمی نوجوان وجود ندارد.

جدول ۵- آزمون مقایسه میانگین رفتارهای تهاجمی نوجوانان بر حسب درآمد خانواده به تفکیک شهر

مقدار F	سطح معنی داری	میانگین مربع ها	جمع مربع ها	منبع تغییرات	
۴/۵۶	۰/۴۳	۲/۸۵	۱۷/۱۲	بین گروه	کل
		۰/۶۲	۱۰۵۴/۶۳	درون گروه	
۱/۰۷	۰/۳۷	۰/۵۸	۳/۴۹	بین گروه	شیراز
		۰/۵۴	۶۶۹/۲۳	درون گروه	
۱/۲۵	۰/۲۸۷	۰/۵۴	۲/۱۸	بین گروه	داراب
		۰/۴۳	۱۹۳/۱۴	درون گروه	

جدول شماره ۶ نتایج آزمون تفاوت میانگین رفتارهای تهاجمی نوجوانان بر حسب جنسیت را نشان می دهد. یافته ها نشان می دهند که هم در کل جمعیت ($T=۸/۴۹۰$, $Sig=۰/۰۰۰$) و هم در شهرهای شیراز ($T=۱۰/۶۶$, $Sig=۰/۰۰۰$) و داراب ($T=۵/۵۵$, $Sig=۰/۰۰۰$) در سطح

حداقل ۹۵ درصد اطمینان بین رفتارهای تهاجمی نوجوانان و جنسیت رابطه معنی داری وجود دارد. میانگین رفتارهای تهاجمی در بین پسران (میانگین = ۱/۳۰) بیش از دختران (میانگین = ۰/۹۶۸) و در شهر شیراز بیشتر از داراب است.

جدول ۶- آزمون تفاوت میانگین رفتارهای تهاجمی نوجوانان بر حسب جنسیت

سطح معنی داری	مقدار T	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	جنسیت	
۰/۰۰۰	۸/۴۹۰	۰/۸۸۰	۱/۳۰	۶۲۲	پسر	کل
		۰/۶۹۷	۰/۹۷	۵۱۷	دختر	
۰/۰۰۰	۱۰/۶۶	۰/۷۷۷	۱/۵۷	۳۹۷	پسر	شیراز
		۰/۶۵۷	۱/۱۳	۳۹۲	دختر	
۰/۰۰۰	۵/۵۵	۰/۷۷۹	۱/۶۸۷	۲۲۵	پسر	داراب
		۰/۴۵۶	۱/۳۵۳	۲۲۵	دختر	

جدول شماره ۷ به بررسی رابطه میان تعارضات والدین، تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران و در خانه با رفتارهای تهاجمی نوجوانان می پردازد. بین دو متغیر تعارض والدین و رفتارهای تهاجمی نوجوانان در سطح حداقل ۹۹ درصد اطمینان هم در کل جمعیت و هم در شیراز و داراب رابطه معنی دار مثبت به لحاظ آماری وجود دارد (در کل جمعیت $t=0/185$ ، $Sig=0/000$ در داراب $t=0/259$ ، $Sig=0/000$ در شیراز $t=0/142$ ، $Sig=0/000$). بدین معنی که هرچه تعارضات بین والدین بیشتر شود رفتارهای تهاجمی در بین نوجوانان بیشتر می شود. بین تعارضات والدین با فرزندان در مقابل دیگران و رفتارهای تهاجمی در کل جمعیت (۲۹۶/۰، $Sig=0/000$)، در شیراز (۲۹۶/۰، $Sig=0/000$) و در داراب (۳۹۵/۰، $t=0/395$) رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. همچنین بین تعارضات والدین با فرزندان در خانه و رفتارهای تهاجمی نوجوانان رابطه معنی دار مثبت وجود دارد «در کل جمعیت $t=0/352$ ، $Sig=0/000$ در داراب (۴۴۶/۰، $Sig=0/000$) در شیراز (۳۲۹/۰، $t=0/329$ ، $Sig=0/000$)». یعنی

هرچه تعارضات والدین با فرزندان در مقابل دیگران و در خانه بیشتر شود رفتارهای تهاجمی نوجوانان نیز بیشتر می‌شود.

جدول ۷- همبستگی بین متغیرهای مستقل با رفتارهای تهاجمی نوجوانان به تفکیک

شهر

دآراب	شیراز	
-/۰۰۷	۰/۰۲۰	تحصیلات پدر
۰/۱۰۵*	۰/۰۱۱	تحصیلات مادر
۰/۲۵۹**	۰/۱۴۲**	تعارض والدین
۰/۳۹۵**	۰/۲۶۸**	تعارض والدین با فرزندان در مقابل دیگران
۰/۴۴۶**	۰/۳۲۹**	تعارض والدین با فرزندان در خانه

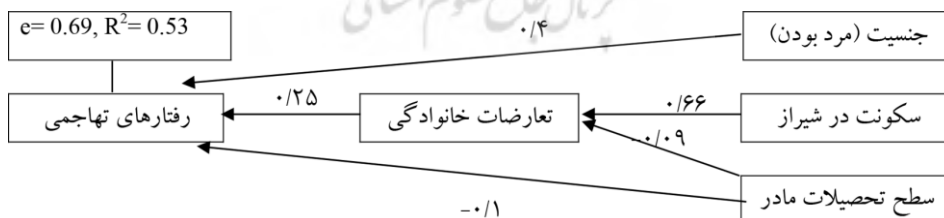
جدول شماره ۸ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه ی مرحله به مرحله برای متغیر وابسته رفتارهای تهاجمی نوجوانان نشان می‌دهد. داده‌های جدول بیان کننده آن است که از میان متغیرهای مستقل، چهار متغیر محل سکونت (شیراز)، تعارضات والدین با فرزندان در خانه، جنسیت (مرد) و تعارضات والدین به ترتیب وارد معادله شده اند. رابطه اولین متغیر وارد شده به معادله یعنی محل سکونت (شیراز) با متغیر وابسته نزدیک به ۰/۴۲۵ بوده است، که نزدیک به ۱۸/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این متغیر تبیین می‌شود. دومین متغیر وارد شده در معادله تعارضات والدین با فرزندان در خانه است. رابطه این متغیر با متغیر رفتارهای تهاجمی نوجوانان ۳۰۴/۳ است و ۲۸/۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این متغیر تبیین می‌شود. رابطه سومین متغیر وارد در معادله، جنسیت (مرد) با متغیر وابسته ۰/۲۷۰ بوده است و نزدیک به ۳۵/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌تواند تبیین کند. چهارمین متغیر وارد در معادله، تعارض والدین است. رابطه این متغیر با متغیر وابسته ۰/۰۶۳ است. این متغیر ۳۶ درصد از تغییرات متغیر رفتارهای تهاجمی نوجوانان را تبیین می‌کند.

جدول ۸- متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس رفتارهای تهاجمی نوجوانان

مرحله	متغیرهای ورودی	R	R ²	مقدار F	Sig F	Beta	مقدار T	sigT
اول	محل سکونت (شیراز)	۰/۴۳۵	۰/۱۸۹	۳۸۱/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲۵	۲۱/۲۴	۰/۰۰۰
دوم	تعارضات والدین با فرزندان در خانه	۰/۵۳۶	۰/۲۸۶	۳۲۸/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	۱۴/۵۱	۰/۰۰۰
سوم	جنسیت (مرد)	۰/۵۹۸	۰/۳۵۷	۶۳/۳۰۳	۰/۰۰۰	۰/۲۷۰	۱۳/۵۷	۰/۰۰۰
چهارم	تعارضات والدین	۰/۶۰۱	۰/۳۶۰	۲۳۱/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۳	۳/۰۰۷	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل مسیر

در مطالعات پیشین متغیرهای زمینه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفته بودند و تأثیر آنها بر رفتارهای تهاجمی تأیید شده بود، لذا در این مطالعه نیز تأثیر آن مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی روابط مستقیم و غیر مستقیم میان متغیرها در این مطالعه از نرم افزار لیزرل استفاده شد. ابتدا متغیر تعارضات خانوادگی با ترکیب متغیرهای تعارضات والدین و تعارضات والدین با فرزندان ساخته شد و سپس آن متغیرهای زمینه‌ای که دارای رابطه با متغیر وابسته بودند در مدل مورد آزمون قرار گرفتند. در نهایت مدل زیر به عنوان مدل نهایی بدست آمد. همانگونه که مشاهده می‌شود، مدل توانسته است ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید.



بحث و نتیجه گیری

با توجه به جوانی جمعیت جامعه کنونی ایران توجه به مسائل، نیازها و مشکلات جوانان، و همچنین شناخت آسیب‌های اجتماعی و روانی این دوره از زندگی آنها در اولویت بررسی قرار می‌گیرد. رفتارهای تهاجمی از رفتارهای اجتماعی است که می‌تواند اثرات منفی بر زندگی خانوادگی و روابط متقابل اجتماعی جوانان داشته باشد. در صورت تداوم می‌تواند زندگی آینده جوانان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش حاضر بر اساس نظریه‌های ناکامی و یادگیری اجتماعی به بررسی رابطه بین تعارضات خانوادگی و رفتارهای تهاجمی نوجوانان پرداخته است. حجم نمونه مورد مطالعه ۱۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان شهرهای شیراز و داراب بوده‌اند. پرسشنامه‌ها توسط دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستانی نواحی چهارگانه شهر شیراز و مدارس دبیرستانی شهر داراب تکمیل گردید. متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر عبارتند از: جنسیت پاسخگو، محل سکونت، طبقه اجتماعی، تحصیلات والدین، تعارضات والدینی، تعارضات والدین با فرزندان در خانه و خارج از خانه و متغیر وابسته رفتارهای تهاجمی نوجوانان است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین رفتارهای تهاجمی نوجوانان و تعارضات والدین با یکدیگر و با فرزندان نشان رابطه مثبت و قوی وجود دارد. که این یافته‌ها با نظریه‌های مورد استفاده در چارچوب نظری تحقیق نظیر نظریه ناکامی و یادگیری اجتماعی همخوانی دارد. بطور کلی هنگامی که والدین با یکدیگر دچار تعارض شده و نتیجه آن گرایش به رفتارهای تهاجمی در ابعاد مختلف می‌گردد، رفتار آنها می‌تواند الگویی برای فرزندان‌شان باشد. همچنین اگر این رفتارها با نتایج مثبت برای یکی از زوجین همراه بوده باشد. از سوی دیگر تعارض بین والدین و فرزندان می‌تواند به محرومیت فرزندان منجر شود که این نیز خود به تقویت گرایش به رفتارهای تهاجمی در آنها می‌انجامد. مطالعات خارجی نیز این نتایج را تایید می‌کنند (پرایور و پاتیسون، ۲۰۰۷؛ اسفندیاری و همکاران، ۲۰۰۹). از دیگر یافته‌های این پژوهش معنی‌دار بودن تفاوت بین رفتارهای تهاجمی در نوجوانان دختر و پسر بطور کلی و همچنین در دو شهر مذکور بود. نتایج بدست آمده نشان دادند که میانگین رفتارهای تهاجمی پسرها بیش از دخترها بوده است. بخشی از این تفاوت می‌تواند به ماهیت جامعه‌پذیری این دو گروه جنسی

مربوط باشد. بطور کلی جامعه از دخترها انتظار بیشتری دارد که منشی ملایم تر و غیر پرخاشگر داشته باشند. اما همین جامعه از پسرها انتظار تهور، جسارت، خشونت و صفات شبیه انتظار دارد که خود این صفات می تواند در برخی از موارد به رفتارهای تهاجمی بیانجامد. از سوی دیگر در جامعه ایرانی نظارت و کنترل بیشتری برای دخترها در نظر گرفته می شود، در حالیکه برای پسرها آزادی بیشتری قائل می شوند که خود این نیز می تواند به افزایش رفتارهای تهاجمی در پسران بیانجامد.

نتایج نشان داد که تحصیلات والدین در کل جمعیت رابطه معنی دار مثبتی با رفتارهای تهاجمی نوجوانان داشته است. احتمالاً یکی از دلایل این امر آموزش هایی است که در دانشگاه های ما در خصوص تربیت فرزندان با افراد تحصیل کرده می دهند. به بیان دیگر افراد تحصیل کرده با برخی از شیوه های جدید فرزندپروری روبرو می شوند که محصول فرهنگ های دیگر است اما ملزومات دیگر آن نوع از شیوه ها در جامعه ما یا وجود ندارد و یا ضعیف است. لذا والدینی تحصیل کرده آزادی های بیشتری به فرزندان شان می دهند و این امر با رفتارهای تهاجمی بیشتر نوجوانان دارای رابطه معنی دار مثبت شده است. در مجموع مطالعه حاضر وجود رابطه مطلوب عملکرد خانواده با کاهش رفتارهای تهاجمی نوجوانان را تأیید می کند و بر اهمیت نقش و رفتار خانواده در ارتقای بهداشت روانی نوجوانان دختر و پسر صحنه می گذارد.

منابع

- ۱- آهنگرانزایی، الف.، شریفی در آمدی، پ. و فرج زاده، رباب (۱۳۹۰). «رابطه سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر»، مجله پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، سال اول، شماره ۱، صص. ۸-۱.
- ۲- اتکینسون، ر.ل.، اتکینسون، ر.س.، هیگارد، ا.ر. (۱۳۷۲). زمینه روانشناسی، ترجمه محمدنقی برهانی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- ۳- احمدی، ح. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۴- ارونسون، ا. (۱۳۷۰). روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.

- ۵- برازجانیان، م. (۱۳۸۰). «بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر پرخاشگری نوجوانان دبیرستانی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۶- شفیعی، ح. و صفاری نیا، م. (۱۳۹۰). «خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان»، فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال دوم، شماره ۶، صص. ۱۴۶-۱۲۱.
- ۷- عارفی م. (۱۳۷۸). «بررسی پرخاشگری ارتباطی و رابطه آن با سازگاری عاطفی-اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر شیراز»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۸- کاپلان، سادوک (۱۳۸۴). خلاصه روانپزشکی، ترجمه نصرت... پورافکاری، انتشارات شهر آب، جلد اول.
- ۹- کاهنی، س. حسن آبادی، م. سعادتجو، ع. (۱۳۷۹). «بررسی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بزهکاری نوجوانان گروه سنی ۱۹-۱۲ سال در خانواده‌های گسسته و پیوسته». اسرار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی سبزوار، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۲۸-۲۲.
- ۱۰- گلچین، م. (۱۳۸۱). «تمایل به پرخاشگری در نوجوانان و نقش خانواده»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ° درمانی قزوین، شماره ۲۱، صص ۴۱، ° ۳۶.
- ۱۱- موسوی غ. و همکارانش، «ارتباط پرخاشگری والدین با معدل آخرین سال تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی»، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دوره یازدهم، شماره چهارم، صص ۳۷-۳۳.
- 12- Ahadi, S., Hejazi, M., Entesar Foumany, G. (2014). The relationship between parenting styles and adolescent s identity aggression ,*Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, Vol. 4, pp. 1171-1178.
- 13- Buehler, C. & J.M. Gerard (2002). "Marital Conflict, Ineffective Parenting, and Children's and Adolescents' Maladjustment", *Journal of Marriage and Family*, Vol. 64, No. 1, pp. 78-92.
- 14- Catalano, R.F., J.D. Hawkins, M.L.Berglund, J.A. Pollard, & M.W. Arthur (2002). "Prevention science and Positive youth Development: Competitive or Cooperative Framework?", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 31, pp. 230-239.

- 15- Gottman, J. M., & Katz, L. E (1989). "Effects of Marital Discord on Young Children's Peer Interaction and Health", *Developmental Psychology*, Vol. 25, pp. 373-381.
- 16- Grych, J. H., & Fincham, F. D. (1990). "Marital conflict and Children s Adjustment: A Cognitive-Contextual Framework", *Psychological Bulletin*, Vol, 108, pp. 267 ° 290.
- 17- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1998). "Exploring Children's Emotional Security as a mediator of the Link between Marital Relations and Child Adjustment", *Child Development*, Vol. 69, pp. 124-139.
- 18- Dodge, K.A., Bates, J.E. & Petit, G.S. (1990). Mechanisms in the Cycle of Violence , *Science*, Vol. 21, 1678-1683.
- 19- Erel, O., & Burman, B . (1995). "Interrelatedness of Marital Relations and Parent- Child relations: A Meta-Analytic Review", *Psychological Bulletin*, Vol. 118, pp. 106-132.
- 20- Esfandyari, B., Baharudin, R. & L. Nowzari (2009). "The Relationship between Interparental Conflicts and Externalizing Behavior Problems among Adolescents", *European Journal of Social Sciences*, Vol.12, No.1, pp.120-125.
- 21- Fauber, R., Forehand, R., Thomas, A., & Wierson, M. (1990). "A Mediation Model of the Impact of Marital Conflict on Adolescent Adjustment in Intact and Divorced Families: The Role of Disrupted Parenting", *Child Development*, Vol. 61, pp.1112-1123.
- 22- Fomby, P. & A.J. Cherlin (2007). "Family Instability and Child Well-Being", *American Sociological Review*, Vol. 72, No. 2, pp. 181-204.
- 23- Gerard, J.M. & C. Buehler (2004). "Cumulative Environmental Risk and Youth Problem Behavior", *Journal of Marriage and Family*, Vol. 66, No. 3, pp. 702- 720.
- 24- Grych, J.H. , Raynor, S.R. & G.M. Fosco (2007). "Family Processes that Shape the Impact of Interparental Conflict on Adolescents", *Journal of Family Studies*, vol.13, no.1, pp.649-665.
- 25- Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, E D. (1992). "Assessing Marital Conflict from the Child's Perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale", *Child Development*, Vol. 63, pp. 558-572.
- 26- Harold, G . T., Fincham, E.D., Osborne, L. N., & Conger, R. D. (1997). "Mom and Dad are at it Again: Adolescent Perceptions of Marital Conflict and Adolescent Distress", *Developmental Psychology*, Vol. 33, pp. 333-350.
- 27- Hart, C. H., Ladd, G.W., & Burlison, B.R. (1990). Children s expectations of the outcomes of social strategies: Relations with Sociometric Status and Maternal Disciplinary Styles *Child Development*, Vol. 61, 127-137.
- 28- Huesman, L.R. (1988). "An Information-Processing Model for the Development Aggression", *Aggressive Behavior*, Vol. 14, pp. 13-24.

- 29- Jenkins, J. M., & Smith, M. A. (1990). "Factors Protecting Children Living in Disharmonious Homes: Maternal Reports", *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, Vol. 29, pp. 60 ° 69.
- 30- McClain, A.L. (1993). "Parental Conflict and Adolescent Problem Behavior in Juvenile Delinquents: A Case for Family Therapy", Texas Woman's University, (PH.D. thesis).
- 31- Moqaddas, A.A. (2008). "Social Classes and Styles of Family Problem Solving among Shirazi Couples", *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 2, No. 1, pp. 19-23.
- 32- Paryor, J.E. et al, (2007). "Adolescents' Perceptions of Parental Conflict: The Owndside of Silence", *Journal of Family Studies*, Vol. 13, No. 1, pp. 72-77.
- 33- Pettit, G. S., Harrist, A. W., Bates, J. E., & Dodge, K. A. (1991). Family interaction, social cognition and children's subsequent relations with peers at kindergarten, *Journal of Social and Personal Relationships*, Vol. 8(3), pp. 383-402.
- 34- Roche, C. (2009). "Family Conflict and Aggression among Latino Youth" (PH.D Dissertation), Department of Psychology, Georgia State University.
- 35- Schneider, R., et al. (2007). "Children's Expectations of Parent-Child Communication Following Interparental Conflict: Do Parents Talk to Children about Conflict?", *J Fam Viol*, No. 22, pp. 407-412.
- 36- Weiss, B., Dodge, K., Bates, J. & Pettit, G. (1992). Some consequences of early harsh discipline: Child aggression and a maladaptive social information processing style, *Child Development*, Vol. 63, pp. 1321-1335.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی